

شرایط اثرگذاری توبه و مواد قانونی آن طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

سیده طاهره میرزائی

کارشناس ارشد فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت حیدریه- ایران

Mirzayei@gmail.com

چکیده

در مباحث کیفری مرز بین زمان اثبات جرم و دستگیری متهم کاملاً مجزاً است. ممکن است جرم ثابت شده باشد، ولی متهم دستگیر نشده باشد و بالعکس. لذا نمی‌توان این دو مفهوم را ملازم با هم دانست. در این خصوص می‌توان رویکرد فقهی را مورد بررسی قرار داد. در باب جرائم مستوجب حد اگر مرتکب، پیش از اثبات جرم در نزد حاکم شرع، چه از طریق اقرار و چه از طریق قیام بینه، توبه کند، مشهور فقهای امامیه برآنند که مجازات ساقط می‌شود، مگر در مورد توبه محارب که نظر مشهور بر آن است، متهم باید پیش از دستگیری توبه نماید نه پس از آن. دلیل آن نص صریح قرآن کریم است. آن چه امروزه به عنوان مجموعه احکام حاکم بر نهاد توبه اعمال می‌گردد، ما حصل بازاندیشی‌های گسترده در مبانی فقهی، حقوقی می‌باشد. چرا که رویکرد قانون‌گذار از حیث جرائم مشمول توبه، در حدود، قصاص، دیات و تعزیرات افتراقی بوده است. در حال حاضر در حدود به جز حد قذف توبه با حصول شرایط مقرر، منجر به سقوط مجازات خواهد گردید. بنابراین تنها حد قذف است که تحت هیچ شرایطی تأثیری در مجازات نخواهد داشت. اما در سایر حدود (به جز محاربه) در صورتی که متهم قبل از اثبات جرم توبه نماید، با جمع سایر شرایط، مسقط حد است و در محاربه این مرحله، بایستی قبل از دستگیری با تسلط بر او باشد (تبصره یک ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی) هم‌چنین در حدود (البته غیر از محاربه) پس از اثبات جرم در صورتی که جرم با اقرار ثابت شد با جمع سایر شرایط و تقاضای عفو از سوی دادگاه رسیدگی‌کننده (البته دادگاه مخیر است و الزامی ندارد) با درخواست رئیس قوه قضائیه از مقام معظم رهبری (دامت برکاته) مسقط حد باشد.

بنابراین باتوجه به آنچه بیان شد شرایط اثرگذاری توبه و مواد قانونی آن طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌تواند در مراحل مختلف رسیدگی به امر جزایی آثار مختلفی را به دنبال داشته باشد که در این تحقیق کیفیات اثرگذاری توبه در مرحله قبل از دستگیری، پس از دستگیری و در آستانه اجرای حکم مورد بررسی قرار می‌گیرد. واژه‌های کلیدی: اثرگذاری، توبه، مواد قانونی، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

مقدمه

توبه متهم با احراز شرایط خاص، پس از اثبات جرم نیز پذیرفته خواهد شد. در این خصوص باید بین چند حالت تفکیک قایل باشد. بین توبه (توبه بعد از اقرار به جرم) و توبه قبل از اثبات جرم، یک تفاوت اصلی وجود دارد و آن این که در مورد توبه قبل از اثبات حد ساقط می‌شود یعنی اثر مستقیم توبه، سقوط کیفر است و قاضی نمی‌تواند در صورت صحت توبه، مرتکب را مجازات نماید. اما در مورد توبه بعد از اثبات جرم با اقرار، این گونه نیست؛ بلکه توبه فقط سبب عفو از مجازات در اختیار قاضی است. یعنی قاضی در صورت صلاحدید می‌تواند مرتکب را عفو نموده و یا مجازات نماید. هم‌چنین مشهور فقهای امامیه معتقدند که:

«اگر جرم با شهادت شهود ثابت شود و مرتکب پس از آن توبه نماید امام اختیار عفو او (مجرم) را ندارد و باید حد الهی را بر او جاری سازد»^۱.

پس در این صورت همان‌طور که گذشت توبه، عامل سقوط مجازات نیست، بلکه سبب عفو توسط قاضی است که در صورت تشخیص مصلحت فرد و جامعه، مخیر است، مرتکب را از مجازات معاف نماید. در صورتی که جرائم مستوجب حد غیر از کذب با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم دادگاه می‌تواند عفو او را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید؛ که در این جا بحث عفو مطرح است نه توبه.

در حقیقت در این مورد، مجازات ساقط نمی‌شود اما از باب عفو، مجازات منتفی و مرتفع می‌شود. درباره محاربه نیز همان‌طور که قانون مقرر کرده است اگر قبل از دستگیری، فرد توبه کرد، حد از او ساقط می‌شود. در حالی که توبه پس از دستگیری اثری ندارد و مانع از اجرای حد نمی‌شود.

آثار جرم شناختی توبه

مسئله توبه و تأثیر آن در تکرار جرم و برخی از مهم‌ترین مزایا و معایب و ایراداتی که به نهاد توبه وارد شده را بیان می‌کنیم.

۳-۱) توبه و تکرار جرم:

ابتدا این سؤال پیش می‌آید که نهاد توبه به عنوان عاملی برای سقوط مجازات، در جلوگیری از تکرار جرم چه تأثیری دارد و آیا می‌تواند مؤثر واقع شود یا خیر؟

توبه در دو حالت می‌تواند تأثیر داشته باشد: یکی این که مجرم واقعاً اصلاح شده باشد و با پذیرش توبه از مجازات معاف شود و مرتکب جرم جدیدی نشود و حالت دیگر این که وجود نهاد توبه با کاستن از حالت بازدارندگی عام و خاص مجازات‌ها، نه تنها موجب تجربی خود متهم بشود، بلکه ضرورت مجازات‌ها را زیر سؤال ببرد و تأثیری معکوس در جلوگیری از تکرار جرم داشته باشد.

۳-۲) توبه و اصلاح جرم:

بهترین اثری که برای توبه برشمرده شده‌اند، تهذیب و اصلاح مجرم است. توبه آثار فراوانی در بعد اخلاقی و دینی دارد. علاوه بر اصلاح و تهذیب نفس، موجب پاک‌شدن گناهان و تبدیل گناهان به نیکی‌ها، مورد لطف و توجه خدا قرارگرفتن و بسیاری آثار مثبت دیگری که در آیات و روایات بیان شده است، می‌شود.^۲

توبه از دیر باز در همه ادیان مرسوم و معمول بوده است و برای آرامش روح در هر دو جهان توصیه شده است. از قدیم‌الایام پوزش از گناه وسیله‌ای بود تا انسان پیشیمان، درون خود را از پلیدی و تاریکی پاک سازد و بنابر حدیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، با صفای درونی که پس از توبه پیدا می‌کند با دیگر مؤمنان برابر می‌گردد. بازگشت از طریق حق و سرپیچی از اوامر خالق، گاه در دل مخلوق چنان آشوبی به پا می‌کند که شرمندگی و پشیمانی آن، روح و روان آدمی را منقلب می‌کند و

۱- خوئی، سید ابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، ج ۱، ص ۳۰۹.

- و نیز رک: امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۴۱۶-۴۱۷.

۲- محمدی ری شهری، محمد، فرهنگ‌نامه توبه، ص ۲۷.

آن هنگام که روح پشیمان می‌شود انسان نادم با خود و خدای خود، عهدی می‌بندد که از گناهی که مرتکب شده، دوری جوید و مرتکب جرم جدیدی نگردد.^۳

توبه مجرم در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۴-۱) ماده ۱۱۴:

۱-۱-۱- «در جرائم موجب حدّ به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد. هم‌چنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید.

۱-۱-۲- تبصره ۱- توبه محارب قبل از دستگیری یا تسلط بر او موجب سقوط حدّ است.

۱-۱-۳- تبصره ۲- در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف اکراه و یا اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دوی آنها محکوم می‌شود.»

شرح ماده ۱۱۴- در کلیه حدود مانند زنا، لواط، قوادی، شرب خمر و غیره به جز حدّ قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند، ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز گردد، حدّ ساقط می‌شود.

به نظر می‌رسد منظور از قاضی، قضاوت دادگاه است نه قضاوت دادر، بعد از اثبات جرم حدّی به واسطه اقرار در دادگاه غیر از حدّ قذف در صورت توبه مرتکب، حتی در محاربه دادگاه می‌تواند، عفو مجرم را با توجه به تصریح قانون به اقرار، از طریق رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید. بنابراین اگر حدود با شهادت شهود یا علم قاضی اسقاط شود توبه مرتکب پذیرفته نمی‌شود، زیرا این دو، ادله‌ای مستقل هستند و از حیث و آثار شهادت ملحق به اقرار نمی‌شوند.

در بند ۶ ماده ۲۶ آیین‌نامه کمیسیون عفو و تخفیف مجازات محکومین مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۲ رئیس قوه قضائیه مقرر گردیده:

«محکومین به جرائم مستوجب حدّ شرعی اعدام و رجم مانند زنا محصنه و لواط مشروط به این‌که جرم آنان با شهادت شهود ثابت شده باشد مشمول عفو، تخفیف و تبدیل مجازات نمی‌شود.

تبصره ۱- اگر ثابت شود محارب قبل از این‌که دستگیر یا تسلط بر او پیدا شود پس از وقوع جرم محاربه توبه نموده است و حد از او ساقط می‌گردد.

تبصره ۲- در زنا و لواط به عنف و اکراه یا اغفال بزه‌دیده انجام شود به فرض و ثبات با اقرار و پذیرش توبه، مجازات حدّی ساقط شود اما به جهت اعمال عنف و اغفال بزه‌دیده به حبس از ۶ ماه تا ۲ سال (درجه ۶) و یا تا ۹۹ ضربه شلاق (درجه ۶) یا هر دو مجازات تعزیر می‌شود.»^۴

اگر اغفال و عنف وجود نداشته باشد تعزیر منتفی است. زیرا توبه مجازات اصلی را ساقط نموده و عنوان ثانویه‌ای برای تعیین تعزیر وجود ندارد، با توجه به این‌که در هر درجه از مجازات‌های مذکور قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ انواع مختلفی از مجازات‌ها مانند: حبس، شلاق تعزیری، جزای نقدی و غیره وجود دارد، هرچند در قوانین، پس از بیان درجه، نوع مجازات نیز تعیین شده باشد، دادگاه مجاز به استفاده از انواع دیگر نیست. بنابراین تعیین جزای نقدی درجه شش در مورد مذکور در تبصره صحیح نمی‌باشد.

۴-۲) ماده ۱۱۵:

«در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت چنان‌چه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید.

۳- فکری ارشاد، جهانگیر، «توبه در ایران باستان»، مجله علمی - پژوهشی، ش ۱۸۹، ص ۲.

۴- عدالتخواه، محمدرضا، مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، (کتاب نخست جزای عمومی)، ص ۲۲۰.

- و نیز رک: شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه آسایش عمومی)، ج ۳، ص ۳۲.

- و نیز رک: حبیب زاده، محمدجعفر، بررسی جرم محاربه و فساد فی الارض، ص ۳۷.

تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری درمورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.
تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و هم‌چنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۷)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۳)، (۹۴) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات مخصوص شرعی نمی‌شود».

شرح ماده ۱۱۵- توبه در جرائم تعزیری درجه شش، هفت، هشت پذیرفته شده است، اما با توجه به تبصره ۲ ماده ۱۱۵ که مقرر دانسته، اطلاق این ماده شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود، آیا منظور این است که توبه به طور مطلق در تعزیرات مخصوص پذیرفته نیست، یا مجازات‌های تعزیری منصوص شرعی با توبه امکان ساقط شدن دارد اما قابل تخفیف نیست؟ با توجه به ماهیت تعزیرات منصوص شرعی که شباهت‌هایی با حدود دارد، ممکن است مطلب اخیر مطمح نظر قانون‌گذار باشد. توجه در جرائم تعزیری شدید (درجات یک تا پنج) نیز قابل پذیرش نیست و موجب سقوط مجازات نمی‌باشد. اما دادگاه به استناد بند «ث» ماده ۳۸ این قانون توبه و ندامت مرتکب را در چنین جرائمی می‌تواند از جهات تخفیف دانسته و طبق مقررات ماده ۳۷ اعمال تخفیف نماید. در کلیه مواردی که توبه وفق قانون مؤثر است، باید توبه واقعی باشد و اصلاح و ندامت مرتکب برای قاضی احراز گردد، صرف بیان لفظی و ادعای توبه کافی نیست.

تبصره ۱ با توجه به تصریح در این تبصره مقررات توبه درباره کسانی که به موجب مقررات تکرار جرائم تعزیری موضوع ماده ۱۳۷ مجازاتشان تشدید می‌شود، قابل اعمال نیست.^۵ اما در تعداد جرم با توجه به این که قانون‌گذار در مقام بیان است، در این خصوص سکوت نمود. بنابراین تعداد جرم مانع استفاده از مقررات مربوط به توبه نمی‌باشد.

تبصره ۲ با توجه به مدلول این تبصره، تعدادی از جرائم تعزیری که مشمول عنوان تعزیرات منصوص شرعی است و مشمول تخفیف و مقررات بند (پ) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) نمی‌باشد. هم‌چنین مقررات مربوط به احتساب و کسر آیام بازداشت قبلی از مجازات حبس، شلاق و جرائم نقدی (ماده ۲۷) معافیت از کیفر در جرائم تعزیری درجه ۷ و ۸ (ماده ۳۹)، تعویق، صدور حکم (ماده ۴۵)، تعلیق اجرای مجازات (ماده ۴۶) البته با وجود ماده ۴۵ نیاز به تصریح به ماده ۴۶ نیست. چون تعویقی که در تعزیرات منصوص شرعی ممنوع باشد، ماده ۴۶ را هم در بر می‌گیرد. زیرا سرانجام، نتیجه تعویق ممکن است معافیت از کیفر مذکور در ماده ۴۶ باشد. تخفیف در مجازات نوجوان (ماده ۹۴) و مرور زمان تعقیب و صدور حکم قطعی (ماده ۱۰۵) شامل تعزیرات منصوص شرعی نیست.

در هر حال جرائم پس از تعقیب و صدور حکم، مجازات‌هایشان اجرا می‌گردد. با وجود این، ماهیت قانون نه تنها مصادیق تعزیر است، منصوص شرعی را بیان نکرده، بلکه تعریف جامعی را از آن ارائه نداده است. این اتهام موجب برداشت‌های مختلف و تشتت در تشخیص توسط مراجع قضایی خواهد شد.

پیشنهاد می‌شود مجلس این ماده را تغییر و مصادیق را ذکر کند یا قوه قضائیه با صدور بخشنامه‌ای با احصاء تعزیرات منصوص شرعی به ابهامات خاتمه دهد. در آینده وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز می‌تواند در این خصوص چاره ساز باشد. تعزیرات طبق این قانون (قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲) دو نوع است: ا- محرمانه شرعی ب- نقص مقررات حکومتی. در قانون سابق به نقض مقررات حکومتی مجازات‌های بازدارنده گفته می‌شود که غیر از تعزیرات شرعی بود. این مقررات از سوی حکومت برای رعایت نظم و انضباط وضع شده و سابقه تشریح توسط شارع مقدس ندارد مانند مقررات مربوط به مواد مخدر، صدور چک بلامحل، جرائم مطبوعاتی و رایانه‌ای و قاچاق کالا و ارز. بنابراین در رابطه با تعریف تعزیرات منصوص شرعی دو برداشت وجود دارد که عبارتند از:

ا- شامل آن دسته از جرائم قابل تعزیری که در قوانین برای آنها مجازات تعزیری تعیین شده و شارع مقدس ارتکاب رفتار منجر به این آنها در دسته گناهان کبیره قرار داده که مستوجب عذاب الهی نیز می‌باشد مانند: سقط جنین مجرمانه، شهادت و سوگند

۵- عدالتخواه، محمدرضا، مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، (کتاب نخست جزای عمومی)، ص ۲۲۱.

- و نیز رک: محمدی گیلانی، محمد، حقوق کیفری در اسلام، ص ۲۲۹.

دروغ، روابط نامشروع بین زن و مرد غیر از زنا، تولید و فروش مشروبات الکلی، ترک انفاق و... با این تعریف تعداد زیادی از جرائم تعزیری مشمول عنوان تعزیر منصوص شرعی می‌شود که در قوانین مختلف برای آنها مجازات تعیین شده است.^۶

ب) دامنه و تعداد تعزیرات منصوص شرعی محدود به آن مواردی است که در روایات وارده برای محرمات شرعی توسط معصوم مقدار تعزیر تعیین شده و به نوعی از این حیث شبیه حدود است. تعداد این نوع تعزیر اندک است که صاحب جواهر تعداد آنها را پنج عدد می‌داند مانند: جماع زوج با زوجه در روزهای رمضان هر یک (۲۵ ضربه شلاق)، جمع شدن دو مرد مجرد زیر یک پوشش (۳۰ تا ۹۹ ضربه شلاق)، جمع شدن مرد و زن مجرد زیر یک پوشش (۱۰ تا ۹۹ ضربه شلاق) و...^۷

تعیین مجازات در این موارد مقید به دو شرط است.

۱- به استناد تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا.مصوب ۹۲ به آن اطلاق تعزیر منصوص شرعی شود یعنی طبق نظر گروه دوم باشد.

۲- به استناد ماده ۱۱۸ ق.م.ا.مصوب ۹۲ در غیر این صورت هر چند دارای حرمت شرعی و عقوبت است. اما با توجه به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مرتکبین آنها قابل مجازات نیستند.

بنابراین تعزیرات دونوع کلی است که هر کدام زیرشاخه‌هایی دارد به شرح ذیل:

أ) محرمات شرعی:

۱- تعزیر غیر منصوص شرعی مانند موارد مذکور در نظریه گروه اول که از شمول تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا.مصوب ۹۲ خارج است.

۲- تعزیر منصوص شرعی (معین شرعی) که در شمول تبصره ۲ ماده ۱۱۵ ق.م.ا.مصوب ۹۲ قرار می‌گیرد.

ب) نقض مقررات حکومتی:

اداره حقوقی قوه قضائیه^۸ از حامیان نظر دوم است و تعداد محدود و انگشت شماری را تعزیر منصوص شرعی اعلام نموده که مقدار کیفر تعزیری به دلیل شرعی مشخص شده است. بنابراین مواردی که به موجب روایات و یا هر دلیل شرعی دیگر، به طور کلی و مطلق برای آنها تعزیر در نظر گرفته شده، ولی مقدار آن مشخص نیست و تعزیر منصوص شرعی نمی‌باشد. برای رهایی از مشکلات ناشی از نظر اول بهتر است نظر دوم که راه‌گشا می‌باشد و در مقام شک نیز باید آن نظری اعمال شود که به نفع متهم است، ملاک عمل قرار گیرد.

۳-۴) ماده ۱۱۶:

«دیه، قصاص، حذف قذف و محاربه با توبه ساقط نمی‌گردد».

شرح ماده ۱۱۶- دیه، قصاص و حد قذف که حقوق انسانی هستند، با توبه چه قبل از دستگیری و چه بعد از اثبات در دادگاه، ساقط نمی‌شود. اما راجع به محاربه اطلاق این ماده در عدم پذیرش توبه محارب نیز پذیرفته شده که عبارتند از:

أ) محاربه‌ای که به جرم خود اقرار نموده و پس از اثبات جرم دادگاه این اختیار را دارد که توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری عفو او را درخواست نماید.

ب) اگر محارب قبل از دستگیری و تسلط بر او توبه نموده باشد و این موضوع برای دادگاه احراز شود حد از او ساقط می‌شود.

بنابراین ماده ۱۱۶ در رابطه با عدم سقوط حد محاربه با توبه شامل این موارد است:

۱- محاربه‌ای که اقرار ندارد با علم قاضی یا شهادت شهود جرم او اثبات شده است.

۶- عدالتخواه، محمدرضا، مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، (کتاب نخست جزای عمومی)، ص ۲۲۲.

- و نیز ر.ک: علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، جزء ۲، ص ۲۷۲.

- و نیز ر.ک: امام خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۹۲.

۷- صاحب جواهر، محمد حسن بن محمد باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۲۵۴.

۸- نظرات مشورتی شماره ۱۰۱۹-۷ مورخ ۹۶/۶/۲ و شماره ۷/۹۷۱ مورخ ۹۲/۵/۲۸ و شماره ۷/۱۴۰۶ مورخ ۹۲/۷/۲۲ اداره کل امور حقوقی قوه قضائیه.

- و نیز ر.ک: شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۹، ص ۲۹۰.

۲- محارب پس از این که توسط مامورین دستگیر شده یا به هر طریق به او تسلط پیدا شده است، توبه کند در این مرحله موجب سقوط حد نیست.

۳- محارب پس از اثبات جرم او با اقرار ادعای توبه نماید یا قبل از دستگیری چنین ادعایی داشته باشد اما برای دادگاه توبه او احراز نشود در این موارد ادعای توبه، حد محاربه را ساقط نمی‌کند.^۹

۴-۴) ماده ۱۱۷:

«در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود. چنان چه پس از اعمال مقررات راجع به توبه ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده، ملغی و مجازات اجرا می‌گردد. در این مورد چنان چه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.»

شرح ماده ۱۱۷- در این ماده تأکید شده توبه واقعی که منجر به اصلاح و ندامت مرتکب باشد، منشأ اثر است و موجب سقوط مجازات یا تخفیف آن می‌گردد. قاضی دادگاه باید توبه، اصلاح و ندامت مرتکب را احراز نماید و صرف ادعای توبه، برای سقوط حد کافی نیست، بلکه باید با قرائن و اماراتی همراه باشد که موضوع توبه را برای دادگاه محرز نماید.

چنان چه پس از اعمال مقررات راجع به توبه ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده و واقعاً توبه ننموده است، سقوط مجازات در نظر گرفته، ملغی و مجازات اجرا می‌گردد. حتی اگر از نوع مجازات‌های تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ باشد که توبه در آنها پذیرفته شده است.

در چنین حالتی دادگاه مکلف است، حداکثر مجازات تعزیری را برای کسی که با فریب دادگاه مشمول عفو شده است، در نظر بگیرد.

۴-۵) ماده ۱۱۸:

«متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید.»
شرح ماده ۱۱۸- در مواردی که توبه پذیرفته شده است، تا قبل از قطعیت حکم، متهم می‌تواند ادله مربوط به توبه خود را به مقام تعقیب یا رسیدگی کننده ارائه دهد تا توسط قاضی دادگاه مورد بررسی قرار گیرد.^{۱۰}

۴-۶) ماده ۱۱۹:

۱-۴- «چنان چه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدید نظر اعتراض کند.»
شرح ماده ۱۱۹- این حق برای دادستان در نظر گرفته شده تا برای حفظ حقوق عامه نسبت به حکم سقوط یا تخفیف مجازات که پس از توبه مرتکب صادر شود، تقاضای تجدید نظر نماید.^{۱۱}

تفاوت قانون مجازات سابق و جدید

تفاوت این دو نوع مجازات قانونی عبارت است از:

۱- پیش‌بینی توبه در بخش کلیات قانون مجازات^{۱۲} از جمله نوآوری‌های قانون جدید در کنار سایر عوامل سقوط مجازات محسوب می‌شود.^{۱۳} به عبارت دیگر تفاوت شهود بین قانون مجازات سابق و جدید در این است که قانون مجازات سابق، در هر

۹- عدالتخواه، محمدرضا، مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، (کتاب نخست جزای عمومی)، ص ۲۲۵.

- و نیز ر.ک: گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، ص ۹۲.

۱۰- عدالتخواه، محمدرضا، مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، (کتاب نخست جزای عمومی)، ص ۲۲۵.

- و نیز ر.ک: گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، ص ۹۲.

- و نیز ر.ک: شامبیانی، هوشنگ، حقوق جزای اختصاصی (جرائم علیه آسایش عمومی)، ج ۳، ص ۶۷.

۱۱- همان، ص ۲۲۶.

۱۲- عدالتخواه، محمدرضا، مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، (کتاب نخست جزای عمومی)، ص ۲۲۶.

- و نیز ر.ک: گلدوزیان، ایرج، محشای قانون مجازات اسلامی، ص ۹۲.

مورد از حدود، به صورت جدا بیان شده است. یعنی توبه در زنا، لواط، و... را هر کدام در همان موضوع خاص بیان داشته است. توبه در زنا را در همان بحثی مطرح نموده بود که مسئله زنا را توضیح و حکم زنا را بیان کرده است. اما در قانون مجازات جدید توبه در حدود کلی در مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ بیان کرده است و دیگر سخنی از توبه در حدود به مانند قانون قبلی مطرح نکرده است. این یک تفاوت کلی است و در شماری مسائل از حدود که بعداً ذکر می‌گردد مطرح است. لذا در تطبیق توبه در قانون مجازات سابق و جدید در سایر حدود این مسئله را بیان نخواهیم کرد.

۲- براساس تبصره ۲ ماده ۱۱۴ قانون مجازات جدید:

۱-۵- «در زنا هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در ماده ۱۱۴ به حبس یا شلّاق تعزیری درجه شش یا هر دو محکوم می‌شود»؛
بر این اساس توجّه در زنا، موجب سقوط مجازات حدّی و تبدیل آن به تعزیر درجه شش است. این مورد در قانون قبلی به صراحت بیان شده است.^{۱۴}

۳- براساس قسمتی از ماده ۱۱۴ که بیان داشته است:

۱-۱-۶- «اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب، حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عقد مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام معظم رهبری درخواست نماید»؛
می‌توان دریافت که منظور از لفظ «غیر از قذف» در متن ماده جرائم زنا، لواط، مساحقه و سرقت می‌باشد.
در ماده ۷۲ قانون مجازات سابق نیز آمده است:

۱-۱-۷- «هرگاه کسی به زنا یا هر جرمی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید قاضی می‌تواند تقاضای عفو او را از ولی امر بنماید و یا حد را برای او جاری نماید تفاوت میان این دو ماده این است که در ماده ۱۱۴ رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست عفو مرتکب را می‌نماید اما در قانون مجازات سابق قاضی مستقیماً تقاضای عفو را از ولی امر می‌نماید».

۴- پذیرفتن توبه، در برخی از جرائم تعزیری است. آن هم به عنوان جهتی برای سقوط مجازات و البته در مواردی نیز از جهات تخفیف مجازات محسوب شده است که این مورد هم یک نوآوری که تاکنون در قوانین مسبوق نبوده است. لیکن در قانون جدید، توبه می‌تواند ابزار مناسبی برای دادگاه باشد به این صورت که قضات بتوانند در صورت احراز توبه و برای اصلاح مجرم و دادن فرصت دوباره به مجرم برای بازگشت به خود جامعه را از این تدبیر شرعی و قانونی در جهت رعایت حال مجرم استفاده کنند. به عبارتی در برخی جرائم تعزیری، قضات می‌توانند در صورت احراز به متهم و برای اصلاح او و دادن فرصتی دوباره، در هر مرحله از رسیدگی او را از مجازات معاف و یا برایش تخفیف قائل شوند.

قانون مجازات جدید

همان‌طور که در قسمت قبل بیان شد، قانون مجازات جدید در مواد (۱۱۴ تا ۱۱۹) مسئله توبه را بر خلاف قانون مجازات سابق، بیان داشته است. قانون مجازات سابق به تناسب در هر موضوع مسئله توبه را مطرح نموده بود. اما در قانون مجازات اسلامی جدید در مبحثی خاص، مسئله توبه را بیان نموده است.

ماده ۱۱۴ بیان داشته است:

«در جرائم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد، هم‌چنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب حتی پس از اثبات جرم، دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید».
براساس تبصره ۲ همین ماده:

۱۳- بخشی‌زاده اهری، امین، تحولات و رویکردهای نوین قانون مجازات اسلامی جدید، ص ۸۵.

۱۴- همان، صص ۸۵-۸۶.

«در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا اغفال بزه‌دیده انجام گیرد، مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دوی آنها محکوم می‌شود».

بنابراین در قانون مجازات قدیم مسئله توبه در هر موضوعی به تناسب بیان شده است و در قانون مجازات جدید تحت عنوان کلی به نام توبه مجرم، تمامی مسائل توبه را مطرح نموده است. تفاوتی دیگر در این زمینه وجود ندارد، جز آن‌که قانون‌گذار با این اقدام از تکرار مکررات در قانون کاسته است.

جایگاه توبه در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲

مبحث توبه چنان‌که در مباحث قبلی نیز بیان شد، در قانون مجازات ۱۳۹۲ بر خلاف قانون ۱۳۷۰ به صورت منسجم در مبحث پنجم از فصل یازده بخش اول این قانون، تدوین شده است، مواد مربوط به این تأسیس حقوقی از ماده ۱۱۴ تا ۱۱۸ را به خود اختصاص داده است.

براساس ماده ۱۱۴ ق.م.ا. سال ۱۳۹۲ مجازات همه جرائم حدی را به جزء کذب و محاربه، البته محاربه را با شرایطی از جمله، اگر جرم با اقرار ثابت شده باشد با توبه حتی بعد از اثبات جرم، حد محاربه از محارب از طریق عفو رهبری ساقط می‌شود. ضمن این‌که بر اساس تبصره یک همین ماده محارب، اگر قبل از دستگیری یا تسلط توبه کند، مجازات حد از او ساقط می‌شود.

از طریق توبه با حصول شرایطی که در مباحث آتی به طور مجزا در مورد هر حد توضیح داده خواهد شد، قابل سقوط می‌داند. براساس این ماده اگر مرتکب جرائم حدی منافی عفت، زنا، لواط، مساحقه و قوادی تا قبل از اثبات جرم، توبه نمایند، حد از آنها ساقط می‌شود، براساس بخش دوم همین ماده در صورتی‌که حدود فوق‌الذکر صرفاً با اقرار متهم ثابت شده باشد، حتی بعد از اثبات جرم نیز با توبه متهم از طریق عفو رهبری، که پیشنهاد آن توسط رئیس قوه قضائیه انجام می‌شود، نوع دیگری از سقوط مجازات، تحت عنوان عفو شامل متهم شده و از مجازات حدی جرم ارتكابی معاف می‌گردد.^{۱۶}

البته در تبصره ۲ همین ماده در مورد ارتكاب زنا و لواط با عنف و اکراه و یا با اغفال بزه‌دیده، پس از احراز توبه و سقوط مجازات حدی یا شلاق تعزیری درجه شش یا هر دوی آنها را برای مرتکب دو جرم حدی زنا و لواط در نظر گرفته است. البته این مجازات منافاتی با سقوط مجازات مجرم حدی زنا و لواط از طریق توبه نداشته و صرفاً با ملاحظه ارتكاب جرم زنا و لواط با اکراه و عنف، به عنوان مجازات تعزیری، قانون‌گذاری شده و در تعارض با موضوع اصلی که سقوط مجازات حدی با توبه است، نمی‌باشد، معاف این مجازات در مورد سایر جرائم منافی عفت، مثل تخفیز، مساحقه و قوادی، حتی با اکراه و عنف و اغفال بزه دیده، پیش‌بینی شده است.

توبه در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

براساس بند (ج) ماده ۱۳ ق.آ.د.ک سال ۱۳۹۲ یکی از موارد صدور موقوفی تعقیب امر کیفری و هم‌چنین موقوفی اجرای مجازات، توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون -مواد ۱۱۴ تا ۱۱۸ ق.م.ا- است. بنابراین اساس بند مذکور ماده ۱۳ ق.آ.د.ک یکی از مواردی است که از طریق توبه، هم تعقیب متهم و هم اجرای مجازات مرتکبین جرائم موقوف شده و مقام قضائی موظف است با احراز توبه مرتکب، قرار مربوط را صادر نماید.^{۱۷}

این موضوع تا زمان تصویب قانون آ.د.ک سال ۱۳۹۲ در قوانین آ.د.ک ایران بی‌سابقه بوده و برای اولین بار است که قانون‌گذار، توبه متهم و محکوم علیه را یکی از علل سقوط دعوای عمومی به شمار آورده است.

۱۵- ماده ۱۱۴ ق.م.ا: «در جرائم موجب حد به استثنای کذب و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او بر قاضی محرز شود، حد از او ساقط می‌گردد، هم‌چنین اگر جرائم فوق غیر از کذب با اقرار ثابت شده باشد، در صورت توبه مرتکب، حتی پس از اثبات جرم دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید».

۱۶- بولاجی، رضا و حبیب‌الله جمادی، قانون مجازات اسلامی نموداری، ص ۹۴.

۱۷- عظیم‌زاده، شادی، قانون آئین دادرسی کیفری، ص ۶۳.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

قوانین موضوعه ایران نیز یکی از شرایط پذیرش توبه را ابراز توبه، در زمان خاص تعیین شده، بیان داشته است. البته قانون‌گذار علاوه بر تعیین زمان خاص برای پذیرش توبه، طریقه اعلام و اثبات جرم،^{۱۸} اقرار یا طرق غیر از اقرار مثل گواهی شاهدان، دستگیری توسط ضابطان و... را در پذیرش توبه و آثار مترتب بر آن سقوط، تخفیف و یا عفو مجازات مؤثر می‌داند. این موضوع به طور مفصل در شرح مواد ۱۱۴ تا ۱۱۸ مورد بحث قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه گیری

زمان ابراز توبه یکی از مهم‌ترین پارامترها برای اثرگذاری توبه به شمار می‌رود. اگر مرتکب جرم، زمان توبه را رعایت نکند، بعید نیست که توبه او مقبول نشده و بی‌اثر باشد، زیرا چنانچه در کتب فقهی و همچنین مواد قانونی بیان شده، در زمان‌های معین و مشخص توبه مؤثر خواهد بود و در خارج از این زمان‌ها چنانچه در سطرهای پیش نیز بیان شده، توبه اثری در سقوط، یا تخفیف مجازات نخواهد داشت، بر همین اساس ماده ۱۱۴ ق.م.ا با توجه به نوع جرم حدی و نوع ادله اثبات جرم در دادسرا و یا دادگاه توبه را مسقط مجازات حد ارتكابی می‌داند. به شرطی که توبه در زمان‌های تعیین شده انجام شود.

توبه در جرائم تعزیری درجات ۶، ۷ و ۸ به جز تعزیرات منصوص شرعی، موجب سقوط مجازات می‌گردد.^{۱۹} این اطلاق به معنی فراگیر بودن مقرر برای همه جرائم -به جز جرائم حق‌الناس است- و در سایه درجات ۱ تا ۶ از موجبات تخفیف به شمار می‌رود.

در رابطه با توبه در این جرائم باید بیان نمود که اگر مجازات تعزیری این جرائم بر اساس ماده ۱۱۵ ق.م.ا درجات ۶ تا ۸ باشد توبه مسقط حد خواهد بود و در سایر درجات ۱ تا ۶ از موجبات تخفیف به شمار می‌رود. البته نباید فراموش شود که در این قبیل جرائم اموال و مالکیت، توبه باعث سقوط یا تخفیف مجازات می‌شود. البته باید جنبه حق‌الناس جرم خسارت‌های بزه‌دیده مرتفع نشده، رضایت شاکی خصوصی جلب شود و توبه نسبت به جنبه حق جامعه و حکومت می‌تواند مؤثر باشد.

نتایج

- ۱- تعمیم تأثیر توبه به جرائم تعزیری از نوآوری‌های قانون جدید (مصوب ۹۲) به شمار می‌آید.
- ۲- قانون‌گذار در قانون مجازات جدید (مصوب ۹۲) موارد مشمول توبه را افزایش داده و به مواردی نظیر حدود نیز تسری داده است در قانون مجازات اسلامی براساس ماده ۱۱۴ توبه در جرائم مستوجب حد چنانچه قبل از اثبات جرم باشد موجب سقوط مجازات خواهد شد البته در مورد (قذف) به دلیل حق‌الناس بودن توبه نمی‌تواند تأثیری در سقوط مجازات حدی داشته باشد.
- ۳- معیار تشخیص توبه در قانون اظهار ندامت و پشیمانی از ارتکاب جرم می‌باشد.
- ۴- در قانون مجازات اسلامی ۹۲ ماده ۱۱۷ آن نیز در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفاء نمی‌شود.
- ۵- چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه ثابت شود که مرتکب، تظاهر به توبه کرده، سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده، ملغی و مجازات اجرا می‌گردد.

۱۸- ماده ۱۱۴ ق.م.ا: «... همچنین اگر جرائم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد در صورت توبه مرتکب، حتی پس از اثبات دادگاه می‌تواند، عفو مجرم را توسط رئیس قوه قضائیه از مقام رهبری درخواست نماید».

۱۹- ماده ۱۱۵: «در جرائم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸، چنانچه مرتکب توبه نماید و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود مجازات ساقط می‌شود. در سایر جرائم موجب تعزیر دادگاه می‌تواند مقررات راجع به تخفیف مجازات را اعمال نماید».

تبصره ۱- مقررات راجع به توبه درباره کسانی که مقررات تکرار جرائم تعزیری در مورد آنها اعمال می‌شود، جاری نمی‌گردد.

تبصره ۲- اطلاق مقررات این ماده و همچنین بند (ب) ماده (۷) و بندهای (الف) و (ب) ماده (۸) و مواد (۲۸)، (۳۹)، (۴۰)، (۴۵)، (۴۶)، (۹۲) و (۱۰۵) این قانون شامل تعزیرات منصوص شرعی نمی‌شود».

ب- پیشنهادها

با توجه به آن که نهاد توبه از جمله مباحث و نهادهای ارفاقی می باشد که در دین مبین اسلام بیان شده است، بزرگان دین بر اجرایی شدن این نهاد توجه داشته و آن را به صلاح گنهگار و بازپروری و اصلاح عمل او می دانند. به همین علت قانون گذار در فصل یازدهم مبحث پنجم کتاب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به این نهاد فقهی نپرداخته و آن را بیان نموده است. ولی با دقت به ساز و کارهای آن پرداخته اند و شاید همین باعث شود که در عمل، قضات محترم جانب احتیاط را در نظر گرفته و به این نهاد ارفاقی در جهت قبول توبه مجرمین عمل ننمایند و یا با بی پروایی و ناسنجیده عمل کردن در قبول آن باعث کاهش ارزش والایی اخلاقی و شرعی آن بشوند.

۱- اصلاح سیاست های حاکم بر نهادهای ارفاقی از جمله توبه به نحوی که از نوعی نظام قانون مند برخوردار باشد ضروری است. در این رابطه نگارنده معتقد است باز اندیشی در مفاهیم با این گونه تأسیسات حقوقی در قالب یک قانون اصلاحی با آئین نامه اجرایی مفید و اثرگذار خواهد بود.

۲- با اجرایی شدن این نهاد فقهی (نهاد توبه) در جامعه اسلامی شاهد برپایی عدالت و اصلاح عمل خطاکار در جامعه باشیم.

۳- در قوانین، مخصوصاً در خصوص توبه مجرم (مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ ق.م.ا) و در نحوه اجرای آن کاستی و ابهاماتی وجود دارد که اگر بیشتر مورد توجه مسئولین امر قرار بگیرد، بهتر می تواند نقش اصلاحی و تربیتی خود را در جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمین ایفا کند

کتابنامه

* قرآن مجید (ترجمه حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی).

* نهج البلاغه (ترجمه استاد محمد دشتی)

أ) کتب عربی

۱. ابن ادریس، محمد بن احمد. **السّرائر الحاوی لتحریر الفتاوی**. (سه جلدی). چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۰ق.
۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. **الفتاوی الکبری**. (شش جلدی). چاپ اول. بیروت: دار الکتب العلمیه. ۱۹۸۷ق.
۳. ابن رشد، محمد بن احمد. **بدایة المجتهد و نهایة المقتصد**. (چهار جلدی). چاپ اول. قاهره: دارالحدیث. ۱۴۲۵ق.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس. **معجم مقاییس اللّغة**. (شش جلدی). چاپ اول. قم: مکتب الاعلام الاسلامی. [بی تا].
۵. ابن قدامه، عبدالله. **المغنی**. (ده جلدی). چاپ اول. قاهره: مکتبه القاهره. ۱۹۶۸ق.
۶. ابن نجیم، زین الدین. **الاشباه و النّظائر**. (یک جلدی). چاپ اول. بیروت: دارالکتب العلمیه. ۱۴۱۱ق.
۷. امام خمینی، سید روح الله. **تحریر الوسیلة**. (دو جلدی). چاپ دوم. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه). ۱۳۸۵.
۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین. **کتاب الطّهاره**. (پنج جلدی). چاپ اول. قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری. [بی تا].
۹. بجنوردی، سید حسن. **القواعد الفقهیه**. (هفت جلدی). چاپ دوم. قم: نشر الهادی. ۱۳۷۷.
۱۰. بهائی، محمد بن حسین. **الاربعون حدیثاً**. (یک جلدی). چاپ اول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. [بی تا].
۱۱. جزایری، نعمت الله بن عبدالله. **الانوار النعمانیة**. (چهار جلدی). چاپ اول. بیروت: دارالقاری. ۱۴۲۹ق.
۱۲. حجّاج نیشابوری، مسلم. **صحیح مسلم**. (دو جلدی). چاپ دوم. تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام. ۱۳۷۸.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن. **وسائل الشّیعة الی تحصیل مسائل الشّریعة**. (سی جلدی). چاپ اول. قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السّلام). ۱۴۰۹ق.
۱۴. خوئی، سید ابوالقاسم. **مبانی تکملة المنهاج**. (دو جلدی). چاپ دوم. تهران: انتشارات خرسندی. ۱۳۸۸.

۱۵. **منهاج الصالحين**. (دو جلدی). چاپ بیست و هشتم. قم: نشر مدينه العلم. ۱۴۱۰ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. **المفردات فی غریب القرآن**. (یک جلدی). چاپ اول. دمشق: دارالقلم. ۱۴۱۲ق.
۱۷. شهید اول، محمد بن مکی. **اللمعة الدمشقیة فی فقه الامامیة**. (یک جلدی). چاپ اول. بیروت: دارالتراث- الدار الاسلامیة. ۱۴۱۰ق.
۱۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی. **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**. (ده جلدی). با تحقیق سید محمد کلاتر. چاپ اول. قم: کتابفروشی داوری. ۱۴۱۰ق.
۱۹. **مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام**. (پانزده جلدی). (چاپ سوم). قم: مؤسسه معارف اسلامی. ۱۴۱۷ق.
۲۰. صاحب جواهر، محمد حسن بن محمد باقر. **جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام**. (چهل و سه جلدی). چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۳۶۲.
۲۱. صالح مازندرانی، اسماعیل. **شرح کفایة الاصول**. (پنج جلدی). چاپ دوم. تهران: صالحان. ۱۳۸۵.
۲۲. طوسی، محمد بن حسن. **الاستبصار فیما اختلف من الاخبار**. (یک جلدی). چاپ سوم. تهران: دارالکتب الاسلامیة. ۱۳۹۰.
۲۳. **تهذیب الأحکام**. (ده جلدی). چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیة. ۱۴۰۷ق.
۲۴. **الخلافة**. (شش جلدی). چاپ اول. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۰۲ق.
۲۵. **التهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی**. (یک جلدی). چاپ دوم. بیروت: دارالکتب العربی. ۱۴۰۰ق.
۲۶. عبدالناصر، جمال. **الموسوعة الفقهیة**. (ده جلدی). چاپ اول. قاهره: مکتبه القاهرة. ۱۴۱۱ق.
۲۷. علامه حلی، حسن بن یوسف. **قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام**. (سه جلدی). چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۱۳ق.
۲۸. **كشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد**. (یک جلدی). چاپ اول. قم: مؤسسه امام صادق (علیه السلام). ۱۳۸۲.
۲۹. **منتهی المطلب فی تحقیق المذهب**. (دو جلدی). چاپ اول. مشهد: مجمع البحوث الاسلامی. ۱۴۱۲ق.
۳۰. علم الهدی، علی بن حسین. **الانتصار فی انفرادات الامامیة**. (یک جلدی). چاپ اول. [بی جا]. [بی نا].
۳۱. غزالی، محمد بن محمد. **احیاء العلوم الدین**. (شانزده جلدی). چاپ اول. بیروت: دار الکتب العربی. ۱۴۱۰ق.
۳۲. فاضل هندی، محمد بن حسن. **كشف اللثام عن قواعد الاحکام**. (یازده جلدی). چاپ اول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی. ۱۴۰۶ق.
۳۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. **بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم السلام)**. (یکصد و یازده جلدی). چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ۱۴۰۴ق.
۳۴. محقق حلی، جعفر بن حسن. **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**. (چهار جلدی). چاپ دوم. قم: مؤسسه اسماعیلیان. ۱۴۰۸ق.
۳۵. محمدی ری شهری، محمد. **میزان الحکمة**. (پانزده جلدی). چاپ اول. بیروت: دارالحديث. ۱۳۷۸.
۳۶. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**. (چهارده جلدی). چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۰۳ق.

۳۷. مکارم شیرازی، ناصر. **القواعد الفقهیة**. (دو جلدی). چاپ دوم. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام). ۱۳۷۰ش.

۳۸. نراقی، مهدی بن ابی ذر. **جامع السعادات**. (سه جلدی). چاپ اول. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. [بی تا].

۳۹. نوری، حسین. **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. (سی جلدی). چاپ دوم. قم: نشر قدسیان. ۱۳۸۹.

(ب) کتب فارسی

۱. احمدی ابهری، محمدعلی. **اسلام و دفاع اجتماعی**. (یک جلدی). چاپ دوم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۷.
۲. امام خمینی، سید روح الله. **تحریر الوسیله**. (چهار جلدی). ترجمه علی اسلامی. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه). ۱۳۸۷.
۳. **شرح چهل حدیث**. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله علیه). ۱۳۸۵.
۴. بخشی زاده ابهری، امین. **تحولات و رویکردهای نوین قانون مجازات اسلامی جدید**. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: اندیشه عصر. ۱۳۹۲.
۵. بولاعی، رضا و حبیب الله جمادی. **قانون مجازات اسلامی نموداری**. (یک جلدی). چاپ چهاردهم. تهران: چتر دانش. ۱۳۹۰.
۶. پوربافرانی، حسن. **حقوق جزای اختصاصی، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**. (یک جلدی). چاپ سوم. تهران: جنگل. ۱۳۹۵.
۷. جمعی از مؤلفان. **مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)**. (پنجاه و شش جلدی). چاپ دوم. قم: مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت (علیهم السلام). ۱۴۱۶ق.
۸. جناتی، محمد ابراهیم. **منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی**. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: کیهان. ۱۳۷۰.
۹. جوادی آملی، عبدالله. **تسینم**. (چهل جلدی). چاپ اول. قم: اسراء. ۱۳۹۴.
۱۰. حبیب زاده، محمدجعفر. **بررسی جرم محاربه و فساد فی الارض**. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: کیهان. ۱۳۷۰.
۱۱. خالقی، علی. **آیین دادرسی کیفری**. (دو جلدی). چاپ نهم. تهران: شهر دانش. ۱۳۹۶.
۱۲. دامادی، سید محمد. **شرحی بر مقامات العارفین**. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۶۸.
۱۳. دستغیب، سید محمد هاشم. **توبه**. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: گنج دانش. ۱۳۹۴.
۱۴. سمیعی، جمشید. **ترجمه متن بشرح کامل رسائل شیخ انصاری**. (دوازده جلدی). چاپ اول. اصفهان: خاتم الانبیاء. ۱۳۸۲.
۱۵. شامبیاتی، هوشنگ. **حقوق جزای اختصاصی**. (سه جلدی). چاپ دهم. تهران: مجد. ۱۳۹۳.
۱۶. شهابی، محمود. **ادوار فقه**. (سه جلدی). چاپ پنجم. تهران: سازمان چاپ و انتشارات. ۱۴۱۷ق.
۱۷. عدالتخواه، محمدرضا. **مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲**، (کتاب نخست جزای عمومی). (یک جلدی). چاپ سوم. تهران: مجد. ۱۳۹۳.
۱۸. عرب نیا، محمد صادق. **بررسی مسائل حدود**. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی. ۱۳۷۳.
۱۹. عظیم زاده، شادی. **حقوق جزای اختصاصی**. (دو جلدی). چاپ یازدهم. تهران: دوران دیشان. ۱۳۹۲.
۲۰. **حقوق جزای عمومی**. (یک جلدی). چاپ دهم. تهران: دوران دیشان. ۱۳۹۱.
۲۱. **قانون آیین دادرسی کیفری**. (یک جلدی). چاپ هفتم. تهران: دوران دیشان. ۱۳۹۲.

۲۲. علامه حلی، حسن بن یوسف. ترجمه شرح باب حادی عشر. (یک جلدی). ترجمه محسن غروی‌ان. ۱۳۸۶.
۲۳. علم الهدی، علی بن حسین. شرح جمل العلم و العمل. (یک جلدی). تصحیح شیخ یعقوب جعفری مراغی. چاپ اول. تهران: منظمه الاوقاف و الامور الخیریة دار الاسوة للطباعة و النشر. ۱۳۸۸.
۲۴. عوده، عبدالقادر. بررسی تطبیقی حقوق جزای اسلامی و قوانین عرفی. (چهار جلدی). ترجمه حسن فرهودی‌نیا. چاپ اول. تهران: یادآوران. ۱۳۹۰.
۲۵. فاضل لنکرانی، محمد. اصول فقه شیعه. (شش جلدی). چاپ اول. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام). ۱۳۸۱.
۲۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء. (چهار جلدی). ترجمه سید محمد صادق عارف. چاپ اول. قم: حسنین. ۱۳۸۴.
۲۷. قرائتی، محسن. تفسیر نور. (ده جلدی). چاپ اول. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن. ۱۳۸۷.
۲۸. قیاسی، جلال الدین و همکاران. مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی. (دو جلدی). چاپ سوم. قم: مطالعه‌گاه حوزه و دانشگاه. ۱۳۹۱.
۲۹. کاشانی، عبدالرزاق. شرح منازل السائرین. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: الزهراء. ۱۳۷۹.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی. (شش جلدی). چاپ سوم. قم: نشر اسوه. ۱۳۷۵.
۳۱. فروع کافی. (ده جلدی). تهران: دارالکتب الاسلامیة. ۱۳۵۰.
۳۲. گروه علمی مؤسسه چتر دانش. قانون یار آیین دادرسی. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: چتر دانش. ۱۳۹۱.
۳۳. گلدوزیان، ایرج. حقوق جزای اختصاصی. (یک جلدی). چاپ دهم. تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۸۰.
۳۴. محشای قانون مجازات اسلامی. (یک جلدی). چاپ دوم. تهران: مجد. ۱۳۹۴.
۳۵. مجتهدی تهرانی، احمد بن محمد باقر. سه رساله. (یک جلدی). چاپ اول. قم: مؤسسه در راه حق. ۱۳۷۷.
۳۶. محدثی، جواد. توبه بازگشت به فطرت. (یک جلدی). چاپ اول مشهد: آستان قدس رضوی. ۱۳۹۳.
۳۷. محمدی ری شهری، محمد. فرهنگ‌نامه توبه. (یک جلدی). چاپ اول. قم: دارالحدیث. ۱۳۹۵.
۳۸. محمدی گیلانی، محمد. حقوق کیفری در اسلام. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: سایه. ۱۳۸۵.
۳۹. محمدی، علی. شرح رسائل. (هشت جلدی). چاپ اول. قم: دارالکفر. ۱۳۷۰.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر. اخلاق در قرآن. (چهار جلدی). چاپ اول. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (علیه‌السلام). ۱۴۲۵ق.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. تفسیر نمونه. (بیست و هفت جلدی). چاپ چهاردهم. تهران: دارالکتب الاسلامیة. ۱۳۷۱ش.
۴۲. موسوی بجنوردی، سید محمد. فقه تطبیقی. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: سمت. ۱۳۹۴.
۴۳. میر محمد صادقی، حسین. جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی. (یک جلدی). چاپ دوم. تهران: میزان. ۱۳۸۹.
۴۴. ورائی، اکبر. تأسیس حقوق توبه در فقه جزائی اسلام و نظام حقوق کیفری ایران. (یک جلدی). چاپ سوم. تهران: راه نوین. ۱۳۹۴.
۴۵. ولایی، عیسی. فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول. (یک جلدی). چاپ اول. تهران: نشر نی. ۱۳۸۷.
۴۶. ولیدی، محمدصالح. حقوق جزای عمومی. (چهار جلدی). چاپ اول. تهران: نشر داد. ۱۳۷۲.
۴۷. هادوی تهرانی، مهدی. تأملات در علم اصول فقه. (دو جلدی). چاپ اول. تهران: کانون اندیشه جوان. ۱۳۷۷.
۴۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود و دیگران. فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام). (سه جلدی). چاپ اول. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی. ۱۴۲۶ق.

ج) مقالات

۱. عسکری، اسلام پور. «توبه در امور کیفری اسلام». فصلنامه رواق اندیشه. شماره ۳۹. زمستان ۱۳۸۸.
۲. فکری ارشاد، جهانگیر. «توبه در ایران باستان». مجله علمی - مطالعاتی. شماره ۱۸۹. زمستان ۱۳۸۲.
۳. مرعشی شوشتری، سید محمدحسن. «توبه و نقش آن در سقوط مجازات از دیدگاه حقوق جزای اسلامی». فصلنامه دیدگاه حقوقی. شماره ۳. پاییز ۱۳۷۵.
۴. مقدّس اردبیلی، احمد بن محمد. مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان. (چهارده جلدی). چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ۱۴۰۳ق.
۵. مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (رحمةالله علیه). «توبه از نظرگاه امام خمینی». مجله حضور. شماره ۸. پاییز ۱۳۷.

د) پایگاه‌های اینترنتی

۱. Noormags. محمدباقر فرزانه. ۱۳۸۵/۲/۱۱. <www.Noormags.com>. [۱۳۹۶/۴/۲۵].
۲. rasekhoon. علی کریمی. ۱۳۹۱/۳/۳. <www.rasekhoon.net>. [۱۳۹۶/۳/۵].